وجود اشاری خداوند؛ نفی اشتراک لفظی و معنوی وجود نسبت به وجود خداوند متعال

شاگرد: شباهت در وجود دارد.

استاد: من فقط اشاره می‌کنم. شاید بالای ده جلسه راجع به همین فرمایش شما صحبت کردیم. روایتش هم که خیلی جالب بود؛ و هر وقت بحث شده است، این روایت را عرض کردم. به نظرم در همین روایت فتح بن یزید است:

«... قلت : فاللّه واحد والإنسان واحد ، فليس قد تشابهت الوحدانية؟ فقال : أحلت ثبتك اللّه إنّما التشبيه في المعاني فأما في الأسماء فهي واحدة...»[1].

«قلت : فاللّه واحد والإنسان واحد، فليس قد تشابهت الوحدانية؟»؛ شما می‌گویید خدا هست و ما هم هستیم، یک نحو تشبیه می‌شود. او از وحدت سؤال کرد و گفت ما یکی هستیم و خدا هم یکی است. حضرت علیه السلام فرمودند: ما واحد در لفظ هستیم، دون المعنی. مکرر از این روایت صحبت شده است، مراجعه کنید.

در وجود هم مبنای مفصلی است که صحبت شده است. من عرض کردم که کاربرد مفهوم وجود برای خداوند متعال، نه مشترک معنوی است و نه مشترک لفظی. بلکه وجود اشاری است. وجود اثباتی است. حضرت علیه السلام فرمودند: «يصيب الفكر منه الايمان به موجودا ووجود الايمان لا وجود صفة»[2]؛ این در تحف العقول در خطبه‌ی مبارکه‌ی حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام است. در آنجا گفتیم که وجود اشاری نه مشترک معنوی است و نه مشترک لفظی است.

شاگرد: اینکه می‌فرمایید شیء بر خداوند نیست ... .

استاد: از حضرت علیه السلام سؤال کرد: «أخبرني عن اللّه عزوجل شيء هو أم لا؟»[3]، حضرت علیه السلام می‌خواستند بین نفی تعطیل و بین نفی تشبیه جمع کنند، فرمودند: «نعم، بحقيقة الشيئية»[4]؛ یعنی آن اشیایی که وقتی با آن‌ها مانوس هستید و وحدت عددی می‌شود، خداوند آن را ندارد. پس گفتن شیئیت برای خداوند، مستلزم تعطیل نیست. تعطیل، مطلقاً محکوم است. قبلاً هم صحبت کردیم. حتی همین وجود اشاری هم به‌معنای تعطیل نیست.

شاگرد: هیچ کجا در روایات برای خداوند «شیء» را نیاوردهاند.

شاگرد ۲: « قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ» [5]

استاد: حال بحث اطلاق شیء و امثال آن خوب است، اما الآن از مقصودی که از عبارت داریم، فاصله میگیریم. هر کدام از این بحثها که به ذهنتان میآید، آن را پی بگیرید. سوالاتش را مطرح کنید و جوابها را بنویسید. این پی گرفتن و یادداشت کردن خیلی برکت دارد. در مباحثهی بیست دقیقهای، نمیتوان همهی اینها را مطرح کرد. مخصوصاً اینکه برخی از بحثها را مفصل مطرح کردهایم.

---

[1]. شیخ صدوق، التّوحید، ص ۶۲.

[2]. ابن شعبهی بحرانی، تحف العقول، ص ۲۴۵.

[3]. شیخ صدوق، التّوحید، ص ۱۰۷: «عن محمد بن عيسى بن عبيد ، قال : قال لي أبو الحسن عليه السلام : ما تقول إذا قيل لك : أخبرني عن اللّه عزوجل شيء هو أم لا؟ قال فقلت له : قد أثبت اللّه عزّوجلّ نفسه شيئا حيث يقول : (قل أي شيء أكبر شهادة قل اللّه شهيد بيني وبينكم) فأقول : إنّه شيء لا كالأشياء ، إذ في نفي الشيئية عنه إبطاله ونفيه ، قال لي : صدقت وأصبت ، ثم قال لي الرضا عليه السلام : للنّاس في التوحيد ثلاثة مذاهب : نفي ، وتشبيه ، وإثبات بغير تشبيه ، فمذهب النفي لا يجوز ، ومذهب التشبيه لا يجوز لأنّ اللّه تبارك وتعالى لا يشبهه شيء ، والسبيل في الطريقة الثالثة إثبات بلا تشبيه».

[4]. همان، ص ۱۰۴: «عن هشام بن الحكم ، عن أبي عبد اللّه عليه السلام أنّه قال للزنديق حين سأله ما هو؟ قال : هو شيء بخلاف الأشياء ، ارجع بقولي : (شيء) إلى إثبات معنى وأنّه شيء بحقيقة الشيئية ، غير أنّه لا جسم ولا صورة».

[5]. سورهی انعام، آیهی ۱۹.

بازبینی #2
ایجاد شده 7 فوریه 2024 17:19:45 توسط ... .
به روزرسانی شده 10 فوریه 2024 13:26:33 توسط ... .